

بررسی تاریخی شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی در پاکستان

مهدی ایمانی^۱

کیهان برزگر^۲

چکیده

امروزه گسترش جریان‌های تندرو مذهبی و بنیادگرا در جهان به عنوان مسئله اساسی دولت‌های جهان تبدیل شده است. انواع بنیادگرایی در مذاهب و ادیان مختلف وجود دارد که در اینجا بنیادگرایی اسلامی مدنظر است. در فرهنگ لغات سیاسی آکسفورد، از بنیادگرایی اسلامی برای توصیف هر حرکتی که خواهان اجرای کامل و بی‌چون و چرای آموزه‌های قرآن و شریعت باشد استفاده شده که این امر با توجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای مختلف توأمان با تعصبات شدید فرقه‌ای و حرکت‌های خشونت‌آمیز شده است. بدون تردید یکی از متغیرهای موثر در سیاست‌های امنیتی هر کشور تهدیدها و فرصت‌های بوجود آمده از ناحیه همسایگان آن کشور است. در این بین فوری‌ترین تهدیدات و خطرات همواره از ناحیه همسایگان برای کشورها متصور می‌باشد که بر رفتار سیاسی، استراتژی‌ها، منافع و اهداف ملی، امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا و موجودیت کشورها اثر می‌گذارد. که از میان کشور پاکستان در این مقاله بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی

حدیث اهل سنت، منتقدان حدیث، نقد حدیث، نقد محتوایی، نقل به معنا، سنت گفتاری و سنت رفتاری.

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: imanmahd@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات

Email: k-barzegar@srbiau.ac.ir

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۷

طرح مسأله

کشور پاکستان با دارا بودن حدود ۹۰۹ کیلومتر مرز مشترک همسایه جنوب شرقی جمهوری اسلامی ایران و علاوه بر آن دارای قدرت اتمی می باشد که با مشکلات عدیده‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می کند و ۸۰ درصد از جمعیتش مسلمان سنی است. پیروزی انقلاب اسلامی با محوریت تشیع در ایران زمینه مساعدی را برای گسترش جریان های بنیادگرای ضد شیعی در پاکستان بوجود آورد که یکی از اهدافشان مقابله با جمهوری اسلامی ایران بود. تهدیدات ناشی از بنیادگرایی در پاکستان مسئله ای چند بعدی است که شامل تهدیدات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می شود مسئله ای که بنیادگرایی در پاکستان را برای جهانیان و بویژه ایران حائز اهمیت می کند رابطه بنیادگرایی و تروریسم در پاکستان است. باراک اوباما رییس جمهور آمریکا، منطقه ای را که افغانستان و پاکستان در آن قرار دارند، خطرناکترین نقطه جهان می داند؛ زیرا نیروهای رادیکال که در این منطقه قرار دارند از دید آمریکا تماماً تروریست هستند. پاکستان در حال حاضر مهد تفکرات بنیادگرایانه در جهان اسلام محسوب می شود و کشورهای مسلمان رقیب ایران مانند امارات و عربستان آنجا را مکانی مناسب برای پرورش تفکرات تندروانه مذهبی خود برای کنترل ایران به حساب می آورند.

تحقیقات مختلفی راجع عوامل بنیادگرایی در پاکستان شده است اما تحقیقی که به طور مجزا و مختص به بررسی عوامل تاریخی در رشد بنیادگرایی اسلامی در پاکستان اشاره دارد حسین مسعود نیا به همراه داود نجفی در مقاله ای به عوامل موثر در رشد و تکوین بنیادگرایی در پاکستان می پردازند و حسین مسعود نیا در پژوهشی دیگر به همراه صفی الله شاه قلعه به بررسی علل رفتار خشونت آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تاکید بر طالبانیسم می پردازد. حسین حقانی سفیر پیشین پاکستان در ایالات متحده که یک دیپلمات و شخصیت دانشگاهی برجسته محسوب می شود و شناخت تجربی و علمی از سیاست در پاکستان دارد در یکی از کتاب های خود به نام: "PakistanBetweenMosque and Military" به رابطه تاریخی عمیق بین گروههای رادیکال اسلامی و نظامیان اشاره می کند و چشم اندازی درون ساختاری و تاریخی به

شکل‌گیری گروه‌های افراطی پاکستانی دارد.

در این راستا پژوهش حاضر در تلاش است تا نسبت به عامل تاریخی ریشه‌ای بنیادگرایی در پاکستان شناخت کافی و دقیق کسب نماید و سوال اصلی که در این راستا مطرح می‌نماید این است که عوامل تاریخی موثر بر بنیادگرایی اسلامی در پاکستان کدامند و چقدر این عوامل در رشد بنیادگرایی اسلامی در پاکستان موثر بوده است؟ فرضیه این است که عوامل تاریخی در شکل‌گیری هویت بنیادگرایان اسلامی نقش موثری را بر عهده داشته است و سبب تکوین و رشد بنیادگرایی اسلامی در این کشور شده است. از همین رو در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از ابزار کنتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی موضوع می‌پردازیم.

مفاهیم

آنتونی گیدنز در تعریف بنیادگرایی، آن را دفاعی از سنت به روش سنتی می‌داند. پرفسور حسین نصر در خصوص سنت‌گرایی می‌گوید: سنت‌گرایان معتقدند سنت عبارت است از اصولی که از مبدأ کلی که هر چیزی از آن‌شان گرفته و به آن باز می‌گردد، می‌آید.

در فرهنگ لغات سیاسی آکسفورد، از بنیادگرایی اسلامی برای توصیف هر حرکتی که خواهان اجرای کامل و بی‌چون و چرای آموزه‌های قرآن و شریعت باشد، استفاده شده است. در این فرهنگ در ذیل توضیحات اصطلاح بنیادگرایی مسیحی اشاره شده است که پس از انقلاب اسلامی ایران، اصطلاح بنیادگرایی اسلامی ظهور کرده و بنیادگرایی به منزله علامت و مظهر ستیزه‌جویی، عصبیت و عدم تحمل برای بسیاری در جهان غرب تبدیل شده است. بنیادگرایی مسیحی از قرن نوزدهم در پی واکنش پروتستان‌ها به قرائت‌های مدرن از انجیل شکل گرفت. (مسعودنیا، نجفی، ۱۳۹۰؛ ۸۶)

بنیادگرایی در مجموعه دارای مولفه‌ها و شاخص‌های خاصی است که تقریباً در اکثر تعاریف صورت گرفته موجود است:

۱. معتقد به بازگشت به اصول اولیه خود؛ ۲. استفاده از متون دینی؛ ۳. مرجع دانستن خدا و عدم تکیه به غیر؛ ۴- بازسازی ساختارهای سیاسی و اجتماعی بر اساس اصول خود.

تاریخ

تاریخ و رویدادهای سیاسی در بستر زمان یکی از عواملی است که در هر کشور باعث به وجود آمدن گرایش‌ها و عادات و رسوم اجتماعی و ملی می‌شود. تاریخ شکل‌گیری پاکستان که نسبت به کشورهای دیگر معاصرتر می‌باشد نمای بهتری از روند شکل‌گیری گروه‌ها و جریانات فکری و سیاسی مختلف را در مقابل پژوهشگران و کارشناسان مسائل حوزه شبه قاره قرار می‌دهد. همانطور که در ادامه بدین موضوع اشاره خواهد شد اساس شکل‌گیری کشور پاکستان بر اساس مذهب و دیانت بوده است و این عامل مهم‌ترین تاثیر در تشکیل این کشور را داشته است. روند زمان و اتفاقات در به وجود آمدن جریانات و دوز سختی اعتقادی آنها بسیار موثر بوده است. سیاست‌های مذهبی را همواره یکی از عامل‌های مهم در جذب افراد در دسته بندی‌های مختلف سیاسی این کشور قرار داده است. با نگاهی تاریخی به جریانات بنیاد گرای اسلامی در پاکستان چند رویداد تاریخی مهم که در جریان‌سازی بنیاد گرای اسلامی در پاکستان تاثیر داشتند اشاره می‌کنیم.

۱-۱. شکل‌گیری پاکستان

پاکستان در زمانی به وجود آمد که از لحاظ شرایط تاریخی جهان بین‌الملل یک جنگ عظیم جهانی را پشت سر گذاشته بود و به لحاظ موقعیت ابرقدرت‌ها در روابط جهانی و نظام بین‌الملل قدرت‌های سنتی جهان مانند انگلیس که از جنگ‌های جهانی بسیار آسیب دیده بودند و در دوران شرایط بازسازی پس از جنگ قرار داشتند بالاجبار باید از مناطقی که به طور سنتی در آن حضور داشتند می‌کاستند تا بطور سنتی فشار اقتصادی و سیاسی کمتری را متحمل می‌شدند اما با توجه به سیاست‌های استعماری این کشورها در تشکیل مرزهای مصنوعی و نوعی جداسازی قومی بر حسب نژاد و مذهب در مستعمرات خود سیم‌های فشارهای قوی اختلاف را کشیدند تا همواره این مناطق آبستن درگیری‌های شدید شود زیرا که عقیده افراد عامل در هم تنیدگی و جدا شدن افراد از هم بود.

از نظر تاریخ سیاسی، نخستین بار رحمت‌علی چودری، دانشجوی مسلمان کمبریج،

در سال ۱۹۳۳ میهن مورد خواست مسلمانان شبه قاره را پاکستان نامید. پاکستان به معنای سرزمین پاک و به احتمال قوی بر گرفته از حروف اول ایالات این کشور پیشنهادی گرفته شده است. نظریه تجزیه را محمد علی جناح، رهبر و بنیان‌گذار پاکستان در سال ۱۹۳۸ مطرح کرد که نخستین تقاضای رسمی برای ایجاد وطن اسلامی مستقل به شمار می‌آید. در سال ۱۸۸۵ هندوها با حمایت بریتانیا حزب کنگره ملی هند را تاسیس کردند بدین سان حزب مسلم لیگ در سراسر هند، برای حمایت از مصالح و منافع مسلمانان شبه قاره در سال ۱۹۰۶ شکل گرفت. مسلم لیگ در مارس ۱۹۴۰ قطعنامه لاهور را به تصویب رسانید، که حاصل آن تقاضای رسمی برای تشکیل دولت پاکستان بود. سرانجام لایحه اعطای استقلال شبه قاره هند و تقسیم شبه قاره به هند و پاکستان، در مجلس مقننه انگلیس در ژوئیه ۱۹۴۷ تصویب شد و محمد علی جناح به کراچی آمد و در چهارده اوت ۱۹۴۷، استقلال پاکستان به رهبری او تحقق یافت. (کاظمی، بهار ۱۳۸۹، ۱۱۸) از سال ۱۹۴۷ - یعنی زمان خروج بریتانیا از شبه قاره هند - هندوستان به دو کشور مستقل هند و پاکستان تقسیم شد. این تقسیم نه تنها به آرامی صورت نگرفت بلکه با شورش‌ها و تنش‌های قومی و مذهبی به خصوص میان مسلمانان و هندوها همراه بود؛ از آن زمان تاکنون این دو کشور به عنوان دشمنان اصلی یکدیگر، سه بار در سال‌های (۱۹۴۷)، (۱۹۶۷) و (۱۹۷۱) وارد جنگ با همدیگر شده‌اند و بارها تا نزدیکی یک درگیری تمام عیار پیش رفته‌اند. به نحوی که حدود نیم میلیون نفر در این درگیری‌ها جان خود را از دست دادند. به رغم تلاش‌هایی که در جهت کاهش تنش در روابط میان دو کشور صورت گرفته است، اختلاف میان دو کشور هم‌چنان با افت و خیزهای فراوان ادامه دارد. (شفیعی، شهریور ۱۳۸۸)

در این سال‌ها، بین احزاب اسلامی رقابت اولیه بوجود آمد که اصلی‌ترین حالت رقابت میان آنها پابندی بیشتر به اسلام و میزان تقید گروه‌ها به احکام اسلامی بود که در میان مسلم لیگ که داعیه دار رهبری تاسیس پاکستان بود با دیگر احزاب اسلامی مانند جماعت اسلامی اختلاف نظر داشتند که به اعتقاد آنها رهبری مسلمانان را باید افراد معتقد به آموزه‌های دینی بر عهده می‌گرفتند. مسلم لیگ سراسر هند به پایمردی رهبری نیرومند و سخت‌کوشانه‌ی محمد علی جناح، رهبری و هدایت جنبش مسلمانان شبه قاره هند را در

دست داشت. پایه گذاران جماعت اسلامی و به ویژه مولانا مودودی می خواستند با تاسیس جماعت، از نفوذ و تاثیرگذاری مسلم لیگ در میان مسلمانان شبه قاره و به ویژه در جنبش استقلال خواهی مسلمانان بکاهند. مودودی و دیگر رهبران جماعت اسلامی بر این باور بودند که رهبران مسلم لیگ افرادی سکولار هستند که نمی بایست در مقام رهبری جنبش مسلمانان برای ایجاد کشوری جدید قرار بگیرند. به نظر آنها کشور جدید که قرار بود برای مسلمانان پایه ریزی گردد، باید توسط رهبرانی معتقد و باورمند به آیین اسلام و آموزه های سیاسی و اجتماعی آن به وجود آید.

(Vali Reza Nasr, 1996: 106, 108; Kalim Bahadur: 54; Freeland Abbott: 180-181)

پس از استقلال پاکستان، نقش اسلام در تحولات این کشور به دو دلیل باقی ماند اولاً پاکستان توجه خاصی به موضوع کشمیر دارد و همیشه یکی از عوامل اثر گذار بر سیاست خارجی پاکستان در قبال هندوستان، موضوع مسلمانان کشمیر بوده است. ثانياً اسلام ابزارى نزد دولتمردان پاکستان برای تحقق اهداف منطقه ای و فرا منطقه ای این کشور بوده است. به نظر می رسد با توجه به چنین پیشینه ای بود که ژنرال ضیاء الحق اقدام به کمک به مجاهدین افغانستان برای مقابله با سربازان شوروی در افغانستان کرد و یا در زمان پرویز مشرف، طالبان به عنوان نماد بنیادگرایان خشونت گرا با حمایت پاکستان موفق به تشکیل حکومت در افغانستان گردیدند، بدون تردید زمینه را برای تداوم نقش اسلام در صحنه ی سیاسی پاکستان و رویکرد برخی گروه های بنیادگرا به خشونت فراهم می کند. چنین خشونتی مورد نیاز دولتمردان برای تحقق اهداف خود در منطقه است. (مسعودنیا، نجفی، پاییز ۱۳۹۰، ۹۹)

۱-۲. انقلاب اسلامی در ایران

وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران که منجر به تغییر بنیادین نخبگان سیاسی حاکم و گفتمان های سیاست داخلی و خارجی این کشور شد، بر روابط جمهوری اسلامی ایران با بسیاری از کشورهای جهان از جمله پاکستان اثرات قابل توجهی برجای گذاشت. حاکم شدن گفتمان ایدئولوژیک مبتنی بر اسلام سیاسی شیعی، اتخاذ رویکرد آرمان گرایانه و تجدید نظرطلبانه در سیاست خارجی و نیز خروج ایران از جرگه متحدین واشنگتن،

برداشت نادرست پاکستان از صدور انقلاب اسلامی، اظهارات برخی رسانه‌ها در داخل کشور در خصوص وابسته بودن «ژنرال ضیاء الحق» و توصیه به مردم پاکستان آغاز فصل تازه‌ای از روابط میان اسلام آباد و تهران شد و اندک اندک دو متغیر مهم در حوزه تروریسم یعنی تروریسم مذهبی و تروریسم قومی بر روابط و امنیت ملی ایران تاثیر خود را آشکارگرد. (درویشی، ۱۳۹۳)

با توجه به ویژگی‌های خاص پاکستان از جمله مسلمان بودن دو کشور، همسایگی، نظام اسلامی حاکم بر دولت اسلام آباد و آشنایی تعدادی از علمای پاکستان با شخصیت و تفکر حکومت اسلامی و انقلابی امام خمینی (ره) زمینه هر چه بهتر برای تاثیر گذاری انقلاب اسلامی ایران بر پاکستان فراهم شد. شیعیان پاکستان از جمله گروه‌هایی بودند که بیشترین تاثیر را از انقلاب اسلامی ایران پذیرفتند. قابل ذکر است که شیعیان تا اوایل دهه ۸۰ میلادی تشخص سیاسی نداشتند و حزبی یا گروهی سیاسی به نام شیعیان وجود نداشت. (مسعودنیا و شاه قلعه، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ۲۰۱) هنگامی که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، شیعیان در سراسر جهان از جمله در پاکستان احساس قدرت می‌کردند. حمایت ایالات متحده و عربستان از گروه‌های سنی تندرو برای مبارزه با جهاد در افغانستان مشکل فرقه‌ای در پاکستان را تشدید کرد (Salman Khan، ۴۱، ۲۰۱۴) به عقیده ابو ذهب، انقلاب اسلامی ایران جامعه شیعی پاکستان و شکل رهبری آن را کاملاً تغییر داد. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران نسل جدید از رهبران مذهبی پا گرفتند که حامی عمل‌گرایی امام خمینی (ره) و دیدگاه‌های پان‌اسلامی بودند. آنها سنت سکوت سیاسی شیعه را که ریشه در مفهوم تقیه داشت رها کردند. (عطایی و شهوند، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۹۲)

سیاسی شدن شیعیان پاکستان باعث ایجاد هراس بزرگی در میان سنی‌های پاکستان شد. بعد از تاسیس تحریک نفاذ جعفریه پاکستان، دو حزب جمعیت علمای پاکستان و جمعیت علمای اسلام دو کنفرانس اهل سنت برگزار کردند تا به تعبیر خود با حرکت این اقلیت کوچک شیعی برای تحمیل اراده خویش بر اکثریت سنی مقابله کنند. همزمانی انقلاب اسلامی ایران با حکومت ضیاء الحق در پاکستان مصادف بود که قصد اسلامی سازی حکومت پاکستان و حرکت به سوی تاسیس دولت سنی حنفی را داشت. (پیشین، ۹۰)

برنامه ای که به عنوان بسته ای جامع درصدد بود به تحکیم پایه های اسلامی حکومت پاکستان پردازد. (Nasr, 2004: 96)، منعکس کننده باورهای فرقه مسلط بود. باعث ایجاد احساس ناامنی در میان جامعه اقلیت شیعه شد و آنها را با دولت بیگانه ساخت. رژیم ضیاء به منظور مهار تهدید سیاسی اسلام گرایی شیعی به ایجاد اسلام گرایی سنی کمک کرد. در نتیجه روابط میان شیعه و سنی بدتر شد و در پایان دهه ۱۹۸۰ افراطی های مسلح از هر دو طرف مرتباً یکدیگر را می کشتند. به عبارت دیگر ضیاء الحق مذهب را در راستای خطوط و رقابت های فرقه ای نظامی کرد. (عطایی، شهوند، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۹۰) سپاه صحابه که حاصل جریانات افراط گرایی این دوره در پاکستان بود محور فعالیت هایش علیه انقلاب اسلامی و شیعیان بود. (واعظی، آبان، ۱۳۸۹، ۲۲) استفاده دولت پاکستان از فرقه گرایی برای مهار تاثیر انقلاب اسلامی ایران، باعث ایجاد مبارزه ای گسترده تر میان رقبای خاورمیانه ای برای کسب قدرت و نفوذ در پاکستان شد و بر میزان منازعات و افراط گرایی های فرقه ای در دهه ۱۹۸۰ م افزود. (عطایی، شهوند، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۹۳ و ۹۴)

۳-۱. حمله شوروی به افغانستان

فضای بین المللی بوجود آمده پس از حمله شوروی به افغانستان کمک شایانی به رشد بنیاد گرایی در پاکستان کرد. زیرا جهاد در افغانستان مهم ترین مولفه در رشد بنیاد گرایی اسلامی در پاکستان بوده است. اشغال افغانستان توسط شوروی، پاکستان را به کانون سد نفوذ آمریکا و غرب در برابر نفوذ کمونیسم و مبارزه علیه آن تبدیل کرد. (شفیعی، ثالثی، اقبال، تابستان ۱۳۸۹، ۱۹۸) بیش از ده هزار مدرسه مذهبی با گرایش رادیکال در پاکستان وجود دارد که بیشتر آنها بعد از آغاز جهاد در افغانستان تأسیس شده اند. اصلی ترین ماده درسی در این مدارس، جهاد طبق الگوی ترکیبی - ایدئولوژیکی مکتب «دیوبندی» و مکتب «سلفی» است. این مدارس مذهبی در در دوره جهاد، به شدت از حمایت دستگاه امنیتی این کشور (آی اس آی) بهره مند شدند و در کنار آموزش ایدئولوژیکی، آموزش نظامی طلاب و مجاهدین در گسترده ترین سطح ممکن تحقق یافت. (کاظمی، بهار ۱۳۸۹، ۱۶۲) آصف کاظمی بسترهای سیاسی و اجتماعی شکل گیری طالبان. پس از تسلط کمونیست ها بر افغانستان، مدارس دولتی، نمادی از اندیشه های چپ و

ضد دینی شناخته می‌شد. از سوی دیگر حضور گسترده و بسیار پویای علما و طلاب جوان در میان مجاهدان و مبارزان که دوشادوش دیگر مردمان به جهاد پرداخته بودند جلب توجه می‌کرد. علما و طلاب انقلابی بیشتر نقش پیشاهنگ را در جنبش و مبارزه داشتند. در این شرایط احزاب تندرو اسلامی پاکستان مانند جمعیت علمای اسلام جماعت اسلامی و جمعیت اهل حدیث مدارس دینی را برپا کردند که بدین سان نخستین آموزه‌های فکری طالبان در این مدارس پا گرفت. بعد از دوران جهاد بویژه هنگامی عربستان سعودی و پاکستان از احزاب اسلامی تندرو حمایت کردند گروه‌های تندرو بنیادگرای اسلامی مانند طالبان نفسی تازه یافتند و بر تحرکات خود در افغانستان شتاب بیشتری دادند. (شریفی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، ۲۳) طالبان که خود را مجاهدین اسلامی می‌نامند یک عده بنیادگرایان متعصب هستند. اکثریت آنها در مدارس دینی آموزش دیده‌اند و هدایت و رهبری آنها را حزب پشتونی جمعیت علمای اسلام که در بلوچستان شکل گرفته انجام می‌دهد. (بی‌نام، ۱۳۸۰، ۱۹۵)

با اشغال شوروی و آغاز مبارزات افغانه علیه روس‌ها، به گفته ملیت براون، رئیس اداره پاکستان در سی.آی.ای. آمریکا، در خلال سال‌های ۸۹-۱۹۸۶ عربستان سعودی و آمریکا حدود ۳/۵ میلیارد دلار به دولت پاکستان دادند تا جهاد در افغانستان را رونق بخشد. قسمت قابل توجهی از «عملیات گردباد» سازمان سیا برای آزادسازی افغانستان از اشغال روس‌ها، تاسیس مدارس دینی در پاکستان بود تا طلاب آموزش دیده در این مدارس به مبارزین یا جهادیون در افغانستان تبدیل شوند و در مقابل شوروی بجنگند. این مدارس مذهبی در اولین گام، جهاد با کفار را آموزش می‌دادند تا طلاب خود را آماده جنگ با کفار کمونیست سازند لیکن با توجه به ماهیت استادان این مدارس که اکثر قریب به اتفاق آنان تحصیل کردگان آموزشگاه‌های افراطی عربستان سعودی بودند چاشنی دروس آنان آموزش عدم بردباری مذهبی و مآلا کافر و مشرک پنداشتن هر که، به جز پیرو مکتب سلفی و وهابی بود. لذا در خلال سالهای جهاد افغانستان، حاکمیت و به ویژه ارتش و سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی.اس.آی) خواسته یا ناخواسته با اراده خود حجم زیادی از ادبیات افراط‌گرایانه و فرقه‌گرایانه را در سطح کشور منتشر و تعداد فوق‌العاده

زیادی از جوانان را با این ادبیات آموزش دادند. (شفیعی، اردیبهشت ۱۳۸۹)

جنگ افغانستان به جنبش جهادی، دیدگاه‌ها و آرمان‌های جهانی داد. به سخن دیگر تخم جهاد فراملی در دهه ۱۹۸۰ در افغانستان کاشته شد. با پایان یافتن جهاد در افغانستان، لشکر جهنگوی و سپاه صحابه رویکرد داخلی اتخاذ کردند و به ستیز علیه سایر فرقه‌ها از جمله شیعیان پرداختند. (شفیعی، ثالثی، اقبال، تابستان ۱۳۸۹، ۱۹۸) بحران افغانستان و حمله شوروی به آن از اصلی‌ترین مواردی را که برای انجام خوسته‌های گروه‌های بنیادگرا مانند طالبان تسهیل نمود نظامی نمودن طلبه‌هایی بود که در مدارس مذهبی شکل گرفته در این ایام در پاکستان بوجود آمده بود و به یمن دلارهای نفتی عربستان سعودی و حمایت‌های آمریکا این طلبه‌های فارغ‌التحصیل برای آنچه که خود می‌پنداشتند صحیح است از ابزار به دست آمده تسلیحاتی در پیشبرد اهداف خود که غایت آن تشکیل حکومت اسلامی بود بهره می‌گرفتند.

۱-۴. تحولات داخلی افغانستان از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱

فروپاشی بلوک شوروی و سقوط رژیم کمونیستی در سال ۱۹۹۲، شرایط جدیدی را برای افغانستان به وجود آورد. افغانستان از سال ۱۹۹۲ تا سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱، مکانی برای رقابت کشورهای منطقه شد. از سال ۲۰۰۱ تاکنون، پس از اشغال این کشور توسط نیروهای نظامی آمریکا و ناتو نیز این کشور مکانی برای رقابت میان کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به بهانه مبارزه با تروریسم و بازگرداندن ثبات و امنیت به این کشور شده است. (آقاجری و کریمی، تابستان ۱۳۹۴، ۸)

با توجه به اینکه تحولات افغانستان در دهه ۸۰ میلادی باعث بوجود آمدن گروه‌های بنیادگرا به سرپرستی پاکستان در منطقه شده بود در این زمان نیز پاکستانی‌ها بیش از گذشته به فکر بهره‌برداری از گروه‌های بنیادگرای اسلامی خود ساخته با کمک غرب و سعودی‌ها در منطقه شدند. به دنبال بی‌ثباتی در افغانستان پس از ساقط شدن حکومت کمونیستی نجیب‌الله و اختلاف بر سر قدرت حکومت طالبان با حمایت مستقیم پاکستان به قدرت رسید که بلافاصله بعد از اعلام حاکمیت در افغانستان از سوی پاکستان و عربستان و امارات عربی متحده به رسمیت شناخته شد.

پاکستان برای اینکه انسجام سرزمینی خود را تداوم بخشد، مانع از شکل‌گیری دولتی غیرهمسو در افغانستان می‌شود و تلاش‌های وسیعی را برای ایجاد دولتی تحت‌الحمايه یا تضعیف نهاد دولت در افغانستان صورت داده است. طالبان به عنوان مهم‌ترین بازیگر غیردولتی در صحنه افغانستان، در جهت شکل‌دهی به یک دولت دوست یا برهم‌زدن ثبات و امنیت در این کشور، در سیاست خارجی پاکستان اهمیت دارد. در صورتی که در افغانستان دولت غیرهمسو به قدرت برسد، تجربه گذشته حاکی از آن است که بی‌ثباتی و دولت ضعیف، بیشتر می‌تواند منافع ملی پاکستان را تأیید نماید. برخی در پاکستان معتقدند که در صورت برقراری ثبات و استقرار دولت منسجم در افغانستان، تمامیت ارضی پاکستان می‌تواند با چالش و تهدید مواجه شود؛ از جمله مطرح شدن تمایلات قوم‌گرایانه در افغانستان. به اعتقاد پشتون‌های افغانستان، خط مرزی دیوراند که مناطق پشتون‌نشین افغانستان و پاکستان را از یکدیگر جدا می‌کند، یک خط جعلی و استعماری بوده و لذا بخش مهمی از مناطق پشتون‌نشین پاکستان، جزو خاک افغانستان است و باید به این کشور بازگردانده شود. این ادعا، امنیت و منافع پاکستان را با خطر جدی مواجه می‌سازد. به علاوه این احتمال که سایر اقوام در جامعه موزاییکی پاکستان نیز مطالبات مشابهی را مطرح سازند، وجود دارد. به همین دلیل، پاکستان از افراط‌گری و خشونت‌های قومی و مذهبی در افغانستان، تا هنگامی که به اهداف مورد نظر خود دست یابد، حمایت می‌کند و منتفع می‌شود. (واعظی، اسفند ۱۳۹۰) تأثیر تحولات افغانستان بر تعامل پاکستان با بازیگران ذی‌نفوذ پاکستان که از فرصت بدست آمده قصد داشت تا نهایت استفاده را ببرد و از این طریق بتواند رقبا و دشمنان منطقه‌ای خود مانند هند را تحت فشار قرار دهد به همکاری هر چه بیشتر با گروه‌های تندرو روی آورد. تبدیل افغانستان در دوره طالبان به مرکزی جهت تجمع گروه‌های اسلامی افراطی خطری برای امنیت و ثبات منطقه بوده است که دولت هند آن را برای امنیت خود حیاتی میدانند. قدرت‌یابی طالبان در افغانستان به کمک بسیار مؤثر سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی اس ای) دارای پیامدهای نامطلوب امنیتی برای هند بود. محافل سیاسی پاکستان، با توجه به رقابت و خصومتی که با هندوستان داشتند مترصد چنین موقعیتی بودند تا جنگی محدود با رقیب خود داشته باشند و مسئله کشمیر را

زنده نگه دارند. بنابر این، آنها بی میل نبوده اند تا عناصر ناراضی کشمیری در ایالت جامو و کشمیر هندوستان را به شورش و جهاد با دولت هند ترغیب نمایند. مهمترین گروههایی که درگیر فعالیتهای دهشت افکنانه در دره کشمیر هند می باشند عبارتند از: حزب مجاهدین، حرکت انصار یا جماعت انصار، جیش محمد (خدام الاسلام)، لشکر طیبه (دعوت الرشاد)، حزب المجاهدین، حرکت المجاهدین، المرالمجاهدین، جهه اسلامی جامو و کشمیر، البدر، جماعت مجاهدین و دختران ملت. بنا به استناد مقامات هندی، به جز حزب مجاهدین که اکثریت اعضای آن کشمیری هستند بقیه، سازمانهای ذکر شده بیشتر اعضایشان پاکستانی می باشند که تحت قوانین جلوگیری از تروریسم هند مصوب سال ۲۰۰۰ فعالیت آنها ممنوع اعلام شده است. به عقیده منابع هندی، گروه طالبان زیر نفوذ مستقیم پاکستان بوده اند و پاکستان را در موقعیتی برتر در برابر هند قرار می دهند و این موضوع به زیان هند بوده است. مسئله فوق نه تنها باعث نگرانی هندوستان بوده بلکه دیگر کشورهای منطقه - مانند ایران، روسیه، ازبکستان و تاجیکستان - را نگران کرده است؛ زیرا بعضی از این کشورها در خاک خود با چالش گروههای اسلامی تندرو روبرو هستند و در نتیجه بین آنان اجماعی در مخالفت با گروه طالبان به وجود آمد. برگزاری کنفرانس فوق العاده در تهران با حضور کشورهای فوق نشان دهنده نگرانی آنها از روی کار آمدن این گروه افراطی در افغانستان بوده است. (آقاجری و کریمی، تابستان ۱۳۹۴، ۸)

اما خوش شانس پاکستانی از تحولات جاری در افغانستان و استفاده از بنیادگرایان اسلامی که در راستای منافع ملی و اهداف علیه دولتی شان بود با حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا خاتمه یافت. حادثه ای که در آن برج های دو قلوی تجاری در قلب نیویورک ایالات متحده مورد حمله تروریستی قرار گرفت و موج جهانی را علیه عاملان آن که سازمان القاعده و بن لادن بودند را فرا گرفت، موجی که به واسطه تاریخی پاکستان از تندروان و افراط گرایان مسلمان را در مضیقه قرار داد و آنها را وادار به همکاری با جامعه جهانی علیه تروریسم نمود.

۵-۱. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

به زعم بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران، حادثه ۱۱ سپتامبر به مثابه یک نقطه عطف تاریخی بود که مناسبات جهانی در روابط بین‌الملل را مورد تأثیر قرار داد. این حادثه موجب شد یک هنجار بین‌المللی در خصوص مبارزه با تروریسم را در سطح جهانی بوجود آورد. از آنجایی که رهبری این حادثه را بن‌لادن برعهده داشت لشکر کشی جهانی علیه تروریسم به رهبری آمریکا به افغانستان جهت خشکاندن ریشه‌های این پدیده آغاز شد که همین مهم‌گروه‌های بنیادگرا در پاکستان را آستان حوادث و تحولات گوناگون نمود.

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، استراتژی تسلط پاکستان و نیز تعریف افغانستان به عنوان عمق استراتژیک پاکستان، با شکست مواجه شد و بحران‌هایی را که پاکستان قصد داشت به سمت افغانستان و کشمیر منتقل کند، به سمت خودش بازگشت. با روی کار آمدن حکومت کرزای، روابط دو کشور به شدت دچار تنش شد. حکومت کرزای همواره پاکستان را به دخالت در امور داخلی افغانستان و حمایت از طالبان متهم می‌کند. در واقع حادثه ۱۱ سپتامبر سبب شد بنیادگرایان اسلامی در خاک پاکستان با برخورد شدید دولت روبه‌رو شوند زیرا که پرویز مشرف در راستای مبارزات بین‌المللی با تروریسم و استفاده از موقعیت به دست آمده در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی خود پاکستان را در زمره کشورهای حامی ضد تروریسم قرار داد. مشرف در اثر فشارهای واشنگتن بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، از حمایت رژیم بنیادگرای افراطی طالبان در افغانستان بعد از ۸ سال پشتیبانی دست برداشت. روزی که اولین بمب آمریکا در افغانستان فرود آمد مشرف، محمود احمد رئیس‌جمهوری پاکستان را برکنار نمود و سپهد حسن‌الحق را جانشین وی کرد و حسن‌الحق مدت شش ماه آ.اس.آی را از حضور عناصری که تصور می‌شد با طالبان پیوند داشتند پاک‌سازی کرد. (پیشین، ۸۰۲)

بعد از حمله آمریکا به افغانستان و همکاری دولت پرویز مشرف با آن تحویلی مهم در صحنه بنیادگرایان اسلامی در پاکستان روی داد مناطق قبایلی و بویژه پشتون‌های پاکستان به عنوان خاستگاه اصلی بنیادگرایان این کشور زمانی که دیدند دولت مشرف در سرکوب

آنها با آمریکا همکاری می نماید به سمت مقابله با دولت مرکزی پیش رفتند. طالبان افغانستان که بعد از دخالت نظامی آمریکا از قدرت در کابل حذف شده بودند و سازمان القاعده که از افغانستان اخراج شده بود هر دو در مناطق قبایلی پشتون نشین پاکستان پایگاهی برای خود یافتند و به ادامه جهاد با غرب پرداختند اما این بار بخشی از این جهاد نیز به طرف حاکمیت مرکزی دولت پاکستان به دلیل همکاری با آمریکا تغییر جهت داد. این امر در اصل قدرت گرفتن طالبان محلی پاکستان را در برداشت که دو حادثه تروریستی در مسجد سرخ پاکستان و سپس ترور خانم بی نظیر بوتو در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ توسط طالبان محلی نمودی از حضور بنیادگرایان در تنش های سیاسی داخلی پاکستان تلقی شد و حضور بنیادگرایان را در عرصه اجتماعی جامعه فعال تر نمود. در اصل پدیده طالبان محلی یا جنبش تحریک طالبان معضلی بود که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در پاکستان بوجود آمد و همین امر سیاست داخلی و خارجی پاکستان را تحت تاثیر قرار داد. (حسین خانی، تابستان ۱۳۹۱، ۱۲۵-۱۳۱)

۶-۱. انقلاب های جهان عرب و بوجود آمدن پدیده داعش ۲۰۰۹ به بعد

یکی از نقاط عطف خاورمیانه که نظم سیاسی امنیتی منطقه را مورد دستخوش تغییر و تحولات عظیمی قرار داد انقلابی بود که در جهان عرب از کشور تونس آغاز شد و این امر باعث شد که سراسر جهان عرب و به تبع آن، کشورهای خاورمیانه با شرایط نوین مواجه گردند. حاصل تنازعات و ناامنی های حاصله در منطقه سبب شکل گیری پدیده ای شد به نام «داعش». گروهی که بنا به دلایل فکری و اندیشه ای جزء تندرو ترین گروه های سلفی بود که تا کنون در خاورمیانه شکل گرفته بود گروهی که ریشه های شکل گیری آن به جریان بنیادگرای موجود در منطقه پاکستان و افغانستان مربوط می شد. بعد از شکست طالبان در افغانستان، گروه نظامی وابسته به این تشکیلات با عنوان القاعده که حیات رسمی آن به سال ۱۳۶۷ توسط اسامه بن لادن می گردد، در برخی کشورهای اسلامی و از جمله عراق اعلام موجودیت نمود. در اواخر سال ۲۰۰۶ میلادی یک گروه نظامی به نام دولت اسلامی عراق به رهبری فردی به نام ابو عمر بغدادی در سامرا اعلام موجودیت کرد و بعد از کشته شدن او توسط آمریکایی ها در سال ۲۰۱۰ ابوبکر بغدادی قدرت یافت و چهار

سال بعد داعش را بر پایه اندیشه‌های سلفی پایه‌گذاری کرد. (ساوه درودی، بهار ۱۳۹۳، ۹۴)

پاکستان از بسیاری از جهات یک مکان ایده‌آل برای یک گروه تروریستی مانند داعش است تا در آنجا نیروی جدید جذب کرده و رشد کند. حدود چندین دهه است که این کشور زمینه مساعدی در پرورش تروریسم و شبه‌نظامیان داشته و بعلاوه مرکز حداقل ۴۸ گروه جهادی است که ارتش پاکستان به طور مخفیانه از بیشتر آنها حمایت می‌کند. به گفته منابع محلی در کشمیر، اگر چه ارتش هند کمک کرده است تا از حملات تروریستی جلوگیری شود با این حال پرچم و شعارهای داعش به طور پراکنده قابل مشاهده است. در بلوچستان، که با افغانستان و ایران هم مرز بوده و بزرگترین استان کشور محسوب می‌شود، مردم محلی شاهد دیوار نوشته‌هایی گچی هستند که مضمون آنها تعریف و تمجید از دولت اسلامی و فراخوانی جنگجویان برای پیوستن به داعش است. (Jones, ۲۰۱۵)

در اوایل سپتامبر ۲۰۱۴ حدود دوازده شبه‌نظامی با در دست داشتن جزوه و پرچم داعش از مرز افغانستان وارد پاکستان شده‌اند تا مردم محلی را برای پیوستن به داعش دعوت کنند. بنا بر اظهارات شبه‌نظامیان محلی این گروه صد ها جزوه را در اردوگاه‌های پناهندگان افغان، مدارس پیشاور و در مناطقی از خیبر پختونخواه توزیع کرده بود. این جزوات به زبانهای دری، پشتو و فارسی تحت عنوان فاتح یعنی «پیروزی» چاپ شده است. آنها گفتند هر مسلمانی باید از دستورات خلیفه پیروی کند و چه مرد و چه زن به هر نحوی که می‌تواند باید به دولت اسلامی در مقابله با طاغوت (دشمنان) کمک کنند. همچنین در جزوه‌ها آمده است که احیای اسلام تنها از طریق جهاد ممکن است و جهاد نهایی بین مسلمانان و کفار قریب الوقوع است. جاوید اقبال جنگجوی سابق القاعده که تازه از جنگ با سوریه برگشته بود، نیز که در توزیع جزوات دست داشت گفته بود: ایالات متحده به سرزمین‌های مسلمانان تجاوز کرده و ما با تمام نیرو به آنها هجوم خواهیم برد.

از نظر ایدئولوژیک وجود تفکرات سلفی، مشابه با تفکرات داعش در میان گروه‌های افراطی و تروریستی پاکستان نظیر لشکر طیبه، تحریک طالبان پاکستان و لشکر جهنگوی، باعث جلب توجه داعش به این کشور در راستای همکاری طرفین شده است. بعلاوه پاکستان، به عنوان منبع تأمین نیروی انسانی جهت مبارزه در جنگ سوریه و عراق برای

داعش بسیار مهم و در عین حال راحت است چراکه جوانان متأثر از تفکرات افراطی، به دلیل وجود فقر و فساد گسترده و عدم رضایت از شرایط موجود این کشور و هم‌چنین، اعضای سایر گروه‌های تروریستی حاضر در پاکستان، گزینه‌های دلخواه داعش برای عضویت در این گروه و اعزام به جهاد مورد نظر این گروه هستند. بیش از ۲۰۰ جنگجو پاکستان را برای پیوستن به آنچه اکنون دولت اسلامی می‌نامند ترک کرده‌اند. بسیاری از این مبارزان از گروه طالبان پاکستان، لشکر جهنگوی و دیگر گروه‌های شبه نظامی بوده‌اند. اگر چه مقامات دولتی چنین فعالیتی را انکار می‌کنند اما یکی دیگر از فرماندهان لشکر جهنگوی به شرط ناشناس ماندن گفت: ده‌ها مبارز از اوایل نوامبر ۲۰۱۲ برای مبارزه با بشار اسد رفته و در نهایت به داعش پیوستند. در این اثناء موفقیت‌های نظامی داعش در عراق و سوریه نیز بسیاری از گروه‌های تروریستی را تحت تاثیر قرار داده است. (۲۰۱۴، Nazish)

به طور کلی در حال حاضر استراتژی داعش در افغانستان و پاکستان از سه مولفه اصلی تشکیل شده است. اول اینکه، آنها تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از نارضایتی‌های شخصی و گروهی شبکه‌های جهادی، نیروهای جدید جذب کنند. استراتژی دوم آنها این است که پناهندگان را با پرداخت پول به سوی خود سوق دهند. از کارهایی مثل قاچاق نفت، فروش اموال مسروقه، آدم‌ربایی و اخاذی، تصرف حسابهای بانکی و قاچاق آثار باستانی در عراق و سوریه حمایت می‌کنند. رهبران داعش مایل هستند تا بیش از چند صد هزار دلار برای ایجاد شبکه‌های ارتباطی در جنوب آسیا هزینه کنند. سوم اینکه داعش از پیروزی‌های خود در عراق و سوریه برای جذب سربازان جدید استفاده می‌کند.

بهار عربی و تشکیل داعش یک نقطه عطف در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی بوجود آورد. با عنایت به بوجود آمدن داعش و بلند پروازی‌های این گروه در افغانستان و پاکستان می‌شود مشاهده نمود که اگر نقش‌های داعش در این منطقه از شبه قاره عملی شود، بنیادگرایان اسلامی با توجه به ظرفیت‌های بالای این منطقه درصدد برخواهند آمد تا موجبات فراهم شدن برنامه‌های افراطی خود را در راستای استقرار یک نظام بر پایه دیدگاه‌های تکفیری خود نمایند.

نتیجه‌گیری

در شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی در پاکستان همان‌طور که بررسی شد نقاط عطف تاریخی بسیار در قوام بخشی به بدنه بنیادگرایی پاکستان بسیار موثر بودند و همان‌طور که در فرضیه مطرح شد تاریخ بسیار در ذهنیت‌سازی رادیکال‌های مذهبی پاکستان بسیار نقش قوی را ایفا نمود. نقطه عطف بنیادگرایی در پاکستان، تاریخ شکل‌گیری این کشور و جدایی آن از هند بود که این امر در هویت بخشی به بنیادگرایان پاکستانی نقش اساسی ایفا می‌نماید. دیگر نقاط تاریخی موثر در روند شکل‌گیری و تکوین بنیادگرایی در پاکستان با نشأت گرفتن از شکل‌گیری پاکستان و استقلال از هند نقش بسیاری را در تکوین شخصیتی بنیادگرایان ایفا می‌نماید.

فهرست منابع

۱. آقاجری محمدجواد، کریمی مرتضی، (تابستان ۱۳۹۴) نقش بازیگران منطقه ای در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان، دوره ۸، شماره ۳۰.
۲. آذری نجف آبادی محمد مهدی، (۲۳ مهرماه ۱۳۹۰)؛ آمریکا تروریسم و چالش سیاست خارجی، پگاه حوزه - شماره ۳۱۲ - قابل بازدید در:
<http://www.hawzah.net/fa/magazine/view/3814/7852/101294>
۳. احمدی منش محمد، (۱۳۹۳/۱۱/۳۰) جهاد و بنیادگرایی در شبه‌قاره‌ی هند و پاکستان
<http://www.moballeq.ir>.
۴. یدالله خانی، آرش؛ احمدی، حمید؛ باقیان زارچی، مرتضی؛ (زمستان ۱۳۹۰) بازتاب سیل ۲۰۱۰ پاکستان بر افراط‌گرایی، مجله: مطالعات شبه قاره، شماره ۹.
۵. توحیدی زهرا (مهر ۱۳۸۵)؛ پاکستان: ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها.
<http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid>.
۶. جمالی، جواد؛ (خرداد ۱۳۹۱)، افراطی‌گری در پاکستان
<http://www.rah-nama.ir/fa/content/192>.
۷. جهانی محمد، (پاییز ۱۳۹۲)؛ تاثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم.
۸. حسین خانی، الهام؛ (تابستان ۱۳۹۱)؛ رویکرد پاکستان نسبت به طالبان محلی و طالبان افغانستان مجله: علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج.
۹. خالدیان، صفرعلی؛ (بهار ۱۳۹۲)؛ راهبرد آمریکا در مبارزه با تروریسم و تأثیر آن بر گسترش ناامنی‌های داخلی پاکستان (با تأکید بر فعالیت‌های طالبان پاکستانی)، مجله سیاست دفاعی، شماره ۸۹.
۱۰. خوش‌آیند، حمید، (۱۳۹۱/۱۱/۱۴)؛ پاکستان؛ آستن بی ثباتی و خاستگاه بحران‌ها.
<http://www.irinn.ir/news/7651>.
۱۱. درویشی، وجیه‌الله، (۱۳۹۳/۹/۲۷)، گذشته، حال و آینده‌ی روابط دو کشور ایران و پاکستان.

<http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-ite>

۱۲. دهشیار، حسین، (۱۳۸۸)، پاکستان پاشنه آشیل باراک او باما، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال بیست و سوم، شماره هفتم و هشتم.

۱۳. دیلمی معزی امین؛ (تابستان ۱۳۸۷) روندهای کلان نظام بین الملل در آغاز هزاره سوم، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی سال پنجم - شماره ۲۰.

۱۴. رفیعی، محمد طاهر؛ (۱۳۹۴/۲/۲۴)، گروهک تروریستی «طالبان».

<http://www.habilian.ir/fa/>

۱۵. رودگر صفاری، وحید، (۱۳۹۲/۳/۲۱)؛ مخاطرات طبیعی کشور پاکستان.

<http://vahidgeography89.blogfa.com>

۱۶. ساوه درودی، مصطفی، (بهار ۱۳۹۳)؛ گروهک تروریستی داعش؛ برابند تنازعات و ناامنی های منطقه ای، فصلنامه امنیت پژوهی، شماره ۴۵.

۱۷. شاکری، ماشالله (۹۲/۶/۱۹)؛ روابط راهبردی پاکستان با عربستان از طرح همکاری هسته ای تا تاثیر آن بر روابط با ایران.

<http://www.farsnews.com/newstext.php>

۱۸. شفیع، نوذر؛ محمودی، زهرا؛ (آبان ۱۳۸۷)؛ خشونت فرقه ای و امنیت انسانی در پاکستان.

<http://drshafiee.blogfa.com/>

۱۹. شفیع، نوذر؛ (شهریور ۱۳۸۸) رادیکالیسم اسلامی در پاکستان؛ از ملی گرایی تا جهان گرایی.

<http://drshafiee.blogfa.com/post-162.aspx>

۲۰. شفیع، نوذر؛ (اردیبهشت ۱۳۸۹)؛ تبیین افراط گرایی در پاکستان و تأثیر آن بر روابط تهران - اسلام آباد.

<http://drshafiee.blogfa.com/post-69.aspx>

۲۱. شفیع، نوذر؛ ثلثی، زهرا؛ اقبال، اقدس؛ (تابستان ۱۳۸۹)؛ بسترها و زمینه های موثر در تکوین و گسترش طالبان پاکستانی، مجله آفاق امنیت، شماره ۷.

۲۲. شفیع، نوذر؛ ثلثی، زهرا؛ اقبال، اقدس؛ (زمستان ۱۳۸۹)؛ نقش سرویس اطلاعاتی پاکستان در طولانی شدن بحران امنیتی افغانستان، مجله آفاق امنیت، شماره ۹.

۲۳. عارفی محمد اکرم، (زمستان ۱۳۸۰)؛ پاکستان و بنیاد گرایی اسلامی، مجله: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۶.

۲۴. عزیز عمر (مرداد ۱۳۹۳)؛ دشواری مبارزه با ریشه‌های تروریسم جهانی.
<http://www.jomhornews.com/doc/article/fa/54497>
۲۵. عطایی، فرهاد؛ شهوند، شهزاد؛ پاییز و زمستان (۱۳۹۱) افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۱۹۷۹-۲۰۰۱)، مجله دانش سیاسی، شماره ۱۶.
۲۶. صراف یزدی، غلامرضا، نجابی جواد، صبری محسن، (پاییز ۱۳۹۰) ساختار قدرت در پاکستان و علل ناپایداری سیاسی آن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۶.
۲۷. طوری عاشق حسین، (۱۳۹۲/۱۲/۶)؛ بازیگران خارجی ناامنی و بحران در بلوچستان پاکستان.
<http://www.farsnews.com/newstext>
۲۸. فرزین نیا، زیبا؛ (۱۳۸۴) سیاست خارجی پاکستان: تغییر و تحول، تهران، نشر وزارت امور خارجه.
۲۹. فرزین نیا، زیبا؛ (۱۳۸۸) مثلث آسیایی: چین، هند و پاکستان تهران، نشر وزارت امور خارجه.
۳۰. کاظمی، سید آصف؛ (بهار ۱۳۸۹)؛ بررسی زمینه‌های سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری طالبان در پاکستان، مجله: سخن تاریخ - شماره ۸.
۳۱. محمد شریفی، علی رضا؛ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸)؛ نقش پاکستان در پرورش مذهبی و قومی طالبان، مجله: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۹ و ۲۶۰.
۳۲. مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داود؛ (پاییز ۱۳۹۰) عوامل موثر در رشد و تکوین بنیادگرایی در پاکستان، مجله مطالعات شبه قاره، شماره ۸.
۳۳. مسعودنیا، حسین؛ شاه قلعه، صفی‌الله؛ (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، بررسی علل رفتار خشونت‌آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبان‌نسیسم، مجله دانش سیاسی، شماره ۹.
۳۴. مسعودنیا، حسین؛ مدارس رادیکال مذهبی؛ میراث دیکتاتور پاکستان، (۱۳۸۶/۶/۲۷).
<http://www.bbc.co.uk/persian/world/2009/10/09101>
۳۵. مسعودنیا، حسین؛ (۱۳۸۰)؛ طالبان: روایت‌ها و حقیقت‌ها، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۳۳.
۳۶. مسعودنیا، حسین؛ (۱۳۹۴/۶/۳۱) از احتمال تغییر تاکتیک تا امکان تجدید نظر در استراتژی

آیا پایان عمر طالبان پاکستان فرا رسیده است؟ مصاحبه دیپلماسی ایرانی با ماشالله شاکری.
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1938420>

۳۷. روزنامه دیلی پاکستان ۲۰۱۶/۲/۲۲

<http://dailypakistan.com>.

۳۸. روزنامه کیهان، سال هفتاد و چهارم، شماره ۲۱۱۱۹-۱۴/۵/۱۳۹۴.

۳۹. محمودی، زهرا (۱۳۹۱/۴/۱۴)؛ «عوامل تأثیر گذار بر تشدید فرقه‌گرایی در پاکستان»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۴۰. محمودیان، آرمان؛ (۱۳۹۳/۲/۷)، پایان رفاقت، آغاز خصومت، روزنامه شرق، سال یازدهم، شماره ۲۰۰۱.

۴۱. منفرد، قاسم؛ (اسفند ۱۳۹۳)، ارزیابی وضعیت داخلی پاکستان در سایه تداوم افراط‌گرایی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش ۳۰.

۴۲. مورفی ایمون و احمد رشید ملک، ترجمه: شهرداد شهوند (20 August 2011) جهاد پاکستان: خلق تروریسم مذهبی.

<http://www.isrjournals.ir/en/asia-eurasia-farsi/1253>

۴۳. موسوی، سیدحامد، (۱۳۹۱)؛ دین و سیاست در پاکستان، تهران، نشر: تنزیل.

۴۴. نظیف کار، غزاله و حسین نوروزی (۱۳۸۲)؛ برآورد استراتژیک پاکستان، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۴۵. وقاری مجید، (۲۰/۱۱/۱۳۹۳)؛ نقش مدارس مذهبی پاکستان در حملات تروریستی این کشور.

<http://news.irib.ir/>

۴۶. واعظی، طیه؛ (۱۳۹۰) روابط ایران و پاکستان، روندها و تحولات در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۴۷. واعظی، محمود (آبان ۱۳۸۹)؛ ایران و تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره ۲۶.

48. Muhammad, Salman Khan(winter2014),The Saudi Factor in Pakistan-Iran Relations Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 4, No.4.

49. Nasr, Seyyed Vali Reza (2004), "Islamization, the State and Development, in Islamization and the Pakistan Economy, Robert M. Hathaway and Wilson Lee (eds), Washington D.C.: Woodrow Wilson

International Center for Scholars.

50. Bahadur, Kalim- The Jamaati Islami- New Delhi: Chetana Publications 1977.

51. Nasr, Seyyed Vali Reza- The vanguard of Islamic Revolution: The Jamaate Islami Of Pakistan- University Of California Press, Berkley and Los Angeles, California 1994.

52. Jack Goodman, Why Pakistan is the key to Britain's South Asian renaissance, [http:// fpc.org.uk/articles/654](http://fpc.org.uk/articles/654) .

53. Arshi Saleem Hashmi, "Pakistan Politics, Religion and Extremism", Institute of Peace and Conflict Studies, 2009, pp. 9-10, Available at: <http://www.ipcs.org/pdf.../RP20-Arshi-Pakistan.pdf>

54. Muhammad Nadeem Qureshi, Karamat Ali and Imran Rafi Khan, "Political Instability and Economic Development: Pakistan Time-Series Analysis", International Research Journal of Finance and Economics, Issue 56, 2010, p.184.

55. Jones Seth G(2015, june12). Expanding the Caliphate- Rand corporation, <http://www.rand.org/blog/2015/06/>

56. Bhattacharjee, Dhruvajyoti (Nov 13, 2015), The rising threat of Islamic State, Pakistan and its religious minority. Indian council of World Affairs, <http://icwa.in/pdfs/IB/2014>

57. Walsh, Declan (Nov 21, 2014), Allure of ISIS for Pakistanis is on the Rise., New York Times.

58. <http://www.nytimes.com/2014/11/22/world/asia/isis-pakistan-militants-taliban-jihad.html>.

59. Nazish-Kiran(September 23, 2014); The Islamic State is spreading into Pakistan.

60. <https://newrepublic.com/article/119535>.

61. <http://afghanistan.shafaqna.com/component/k2/item/6215>

۶۲. خبرگزاری ایرنا.

۶۳. خبرگزاری فارس.

۶۴. خبرگزاری تسنیم.

۶۵. سایت دیپلماسی ایرانی.